



انترناسیونال ۴۸۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



hekmat.public-archive.net

منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۷ آذر ۱۳۹۱، ۷ دسامبر ۲۰۱۲ - ۱۴ صفحه

تانکها برای که به حرکت در می آیند؟

میبیند که در مصر انقلاب و ضد انقلاب با هم گلاویز شده اند و انقلاب تلاش میکند راه خود را به پیش بگشاید. هر لحظه خبرهای تازه ای میرسد. همین الان که این یادداشت را مینویسم هزاران تظاهر کننده کاخ ریاست جمهوری را محاصره کرده اند و ارتش

کاظم نیکخواه

مصر بیش از دو هفته است در التهاب کامل است و فضای انقلابی دوباره بر این کشور سایه افکنده است. این روزها همه کس حتی آنها که از "خزان عربی" و شکست انقلاب سخن میگفتند، بروشنی

ادامه صفحه ۲

حزبی که باید به آن پیوست

خواست های مشخص در رهبری این جنبش ها است. حزبی که پاسخ قاطع به معضلات و مسائل سیاسی و اجتماعی داشته باشد. خواهان پایان استثمار و بردگی مزدگی، پایان دادن به زن ستیزی و آپارتاید جنسی، کوتاه کردن دست مذهب در امور جامعه، آزادی بدون قید و شرط بیان و آزادی احزاب و سازمانها باشد. حزبی که در سطح جهان بعنوان پرچمدار مبارزه با لغو مجازات اعدام شناخته شده است و خواهان برانداختن نظام قضائی مبتنی بر انتقام جوئی و ایجاد ترس و ارباب است. حزبی که در مقابل جریانات ارتجاعی اسلامی و غیر اسلامی و توطئه های دولتهای غربی برای حقنه کردن حکومتهای قومی و مذهبی و



بهروز مهرآبادی

درباره جنبش های انقلابی که در دو سال اخیر در تونس، مصر، لیبی، سوریه جریان داشته است، تفسیر ها و نظرات گوناگونی وجود دارد. اما آنچه که هر ناظری می تواند ملاحظه کند سرنوشت نامطمئن و مبهم این جنبش ها است. معضل بزرگی که مردم در هر کدام از این کشور ها با آن مواجه هستند و آن عدم وجود رهبری يك حزب سیاسی با

ادامه صفحه ۶

حزب و نقش آن در جنبش کارگری ایران

صفحه ۳

شهلا دانشفر

حزب و مبارزه با قتل عمد دولتی

صفحه ۵

مینا احدی

انتخابات و جنگ جناحها: شمشیرها از رو بسته شد

صفحه ۸

خلیل کیوان

یک قدم به جلو در فلسطین!

صفحه ۱۱

بهروز مهرآبادی

بیست و یکمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری را به همه کارگران و زحمتکشان به همه مردم آزادیخواه و شریف ایران و به اعضا و کادرهای پر تلاش و خستگی ناپذیر حزب تبریک می گوئیم.

صفحات دیگر

هوای آلوده، بلای جان مردم!

مهراب دشتی

همه باید بروند!

یاشار سهندی

مضحکه انتخابات رژیم،
آرایش و صف بندیهای جریانات حکومتی

محمد شکوهی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تانکها برای که به حرکت در می آیند؟



کاظم نیکفوا

از صفحه ۱

یعنی از زاویه مردم انقلابی چیزی تغییر نکرده است و مرسی و اخوان المسلمین میخواهند با یک رای گیری سریع کار انقلاب را تمام کنند. اپوزیسیونی که در این شرایط و بدون پذیرش هیچکدام از خواستهای انقلابیون به مذاکره با مرسی و اخوان بنشینند فوراً قافیه و زمینه را باخته است.

مصر به کجا میرود؟

دو هفته اخیر اوج تازه ای را در کشاکش انقلاب و ضد انقلاب نشان میدهد. اما اشتباه است اگر کسی فکر کند فرمان مرسی برای افزایش اختیاراتش در دو هفته پیش شروع اعتراضات بر علیه او یا حکومت اخوان بود. مصر طی قریب دو سال گذشته هیچگاه ساکت نبوده است. التحریر یک لحظه طی دو سال خالی نشده است. زنان، کارگران، جوانان، و تمام بخشهای مردم طی این دو سال مدام درگیر اعتصاب و اعتراض و بحث و سخنرانی و کشاکش با نیروهای حافظ وضع موجود بوده اند. مردم انقلابی شاید دقیقاً ندانند چه میخواهند اما میدانند که چه نمیخواهند و یکی از آنها حکومت و قوانین اسلامی است.

آنچه امروز در مصر میگذرد میتوان گفت قابل پیش بینی بود. مردمی دست به انقلاب زده اند تا خود را از دیکتاتوری و بی اختیاری و فقر خلاص کنند. و بعد یک جریان فرصت طلب اسلامی و مرتجع که نقشی در انقلاب نداشته و تا آنجا که نقش داشته به صورت ضد انقلاب و مانع عمل کرده، وسط پریده است و میخواهد جامعه را به تصرف خود در آورد. اخوان المسلمین طی روزهای اوایل سال گذشته که تظاهرات برای سرنگونی مبارک در جریان بود یک ذره در تظاهرات و جنبش انقلابی شرکت نکرد. اما بارها با سران حکومت مبارک از عمر سلیمان

معاون مبارک گرفته تا طنطاوی و نخست وزیر و بقیه به مذاکره نشست تا اوضاع را آرام کند. و اوج کثافت فرصت طلبی سیاسی را برای سوار شدن بر اوضاع به هزینه مردم، از خود نشان داد. اما این جریان که تاریخ طولانی ای از فعالیت سیاسی دارد نشان داد که مصر را نمیشناسد. نفهمید که حکومت مبارک رفتنی است و هرگونه سازش و ممانعت و رفت و آمد با سران این حکومت موقعیت آنرا در میان مردم تضعیف میکند، و کرد. امروز روشن است که مردم براحتمی کوتاه نمی آیند. آن صف انقلابیونی که با جسارت و شجاعت و ابتکارات پیچیده دیکتاتوری چند ده ساله مبارک را به زیر کشیدند و تا کنون از پیاده شدن سیاستهای اسلامی اخوانی ها هم جلوگیری کرده اند، روشن است که ساکت نمیشینند. اکنون صف انقلاب دیگر به آن جوانان پرشور میدان التحریر خلاصه نمیشود. کارگران نشان داده اند که با انقلابند و اعتصاباتشان طی یکی دو سال اخیر عزم آنها را نشان داده است. زنان بخش مهمی از انقلابند و بخشهای وسیع مردم با انقلابند. حتی گزارشهای گویای این است که بسیاری از مردمی که به دلایل گوناگون به اخوان رای دادند، اکنون خواهان سرنگونی مرسی و حکومت اخوان هستند.

علیرغم تلاش رسانه ها بعد از روی کار آمدن مرسی، برای دادن تصویر شکست از انقلاب، و پیروزی اخوان المسلمین، میشد فهمید که انقلاب خود را شکست خورده نمیداند. انقلاب هدف فوری را به زیر کشیدن دیکتاتور تعیین کرده بود و به آن رسیده بود. و بنابر این دلیلی نداشت که مردم انقلابی با اولین جلو پریدن ارتجاع اسلامی خود را شکست خورده تصور کنند. مردم آنطور که در شعارهایشان اعلام کرده بودند برای "نان و کرامت انسانی" به میدان آمده بودند. علیرغم اینکه پلاتفرم روشن و رهبر و حزب و سازمان

انقلاب بدون برنامه و رهبر؟

انقلاب باید تصویر خود را از آینده بگوید. انقلاب ظرف ۱۸ روز دیکتاتوری ۳۰ ساله مبارک را به زیر کشید، اما کار سترگ دوره کنونی اینست که باید آینده را تعریف و روشن کرد و پایه ریزی نمود. هیچکس فکر نمیکرد که انقلابی بدون رهبری شناخته شده و بدون پلاتفرمی تعریف شده بتواند همان قدم سرنگونی مبارک را هم با موفقیت به پیش بردارد. و برداشت. اما فکر میکنم در فاز کنونی بدون برنامه روشن یعنی بدون اینکه انقلابیون تصویر خود را از آینده بروشنی تعریف کنند و نیروی خود را حول خواستهای فرموله و روشن گردآوری و متشکل کنند نمیتوان به پیروزی های چشمگیر و تاریخ ساز یا برگشت ناپذیر دست یافت. بعید میدانم که

این انقلاب بتواند بدون حزب و برنامه رادیکال به پیروزی های بزرگ دست یابد و ضد انقلاب را به طور قطع عقب براند. این گامی است که باید برداشته شود. نفس جدال و مبارزه ای که جریان دارد صف انقلاب را شفاف تر میکند. قطب بندیهای طبقاتی را روشن تر میکند و خواستها را به درجات زیادی متعین مینماید. اما اینکه روند اوضاع تا چه حد اجازه دهد که این پیشرویهای خودبخودی پاسخگوی نیازهای انقلاب باشد جای تردید بسیار است. زیرا ضد انقلاب (که در واقع کل بورژوازی غرب و بورژوازی مصر را شامل میشود) نیز ضعفهای انقلاب را میشناسد و تلاش کرده و تلاش میکند از آن بهره برداری نماید. باید دید آیا انقلاب میتواند رهبران کارسماتیک و با نقشه روشن و برنامه های لازم را به موقع پرورش دهد.

سرنوشت قانون اساسی و اخوان

کاری که اخوان المسلمین دارد میکند همان مسیر شناخته شده ای است که معمولاً ضد انقلاب به قدرت خزیده انجام میدهد. یعنی یک قانون اساسی بر اساس سیاستهای سرهم بندی کرده و بعد سریعاً قبل از اینکه جامعه بتواند فرصت فکر کردن و متشکل شدن پیدا کند آنرا به رای میگذارد و بعد انقلاب را خاتمه یافته اعلام میکند. آیا این سناریو برای اخوانی ها عملی است؟ آیا این روال اخوانی ها را در قدرت تثبیت میکند؟ فکر نمیکنم. اگر مرسی و اخوانی ها بتوانند در این فضای پراز مخالفت و مبارزه رفتارندوم روز ۱۵ دسامبرشان را برگزار کنند، یک احتمال اینست که این قانون رای نیابد. این در صورتی است که نیروهای اپوزیسیون تصمیم بگیرند در رای گیری شرکت کنند و به مردم مخالف اخوان

ادامه صفحه ۶

بنا به گزارشهای رسمی بیش از ۱۰۰ هزار نفر از مخالفین حکومت تجمع کرده بودند و بعد چند هزار نفر از اخوانی ها به سمت تظاهر کنندگان یورش بردند و با کوکتل و سلاحهای سرد و بعضاً گرم به مردم حمله کردند. همه کس میگفت گسیل اوباش برای حمله به مردم تکرار سیاست مبارک است که به سقوط او انجامید. در درگیریهای دیروز میان مردم تظاهر کننده و اوباش هوادار مرسی در اطراف کاخ ریاست جمهوری ۵ نفر و به روایت دیگری ۶ نفر کشته شدند و شمار ۶۴۴ نفر زخمی گردیدند. این شاید اولین جنایت دولت اخوان المسلمینی است که مردم را برای سرنگون کردن آن مصمم تر میکند. رئیس جمهوری که در او ان روی کار آمدنش به بسیج اوباش و حفاظ تانکها نیازمند شده معلوم است که حال خوبی ندارد. تاکنون چندین تن از مشاوران مرسی در اعتراض به سیاست او استعفا داده اند. قرار بود پنجشنبه شب مرسی پیام بدهد و برخی خبرگزاریها امیدواریهایی در رابطه با این پیام را طرح میکردند. اما تنها حرف قابل توجهی که مرسی گفت این بود که حاضر است با مخالفین گفتگو کند و بخشهایی از دستوراتش را که بحث بر انگیز است تعدیل کند. اما او تاکید کرد که رای گیری برای قانون اساسی همان روز تعیین شده یعنی ۱۵ دسامبر برگزار خواهد شد. و این

حزب و نقش آن در جنبش کارگری ایران



شلا دانشفر

شلا دانشفر از شخصیت های برجسته و محبوب جنبش کارگری در ایران است. تلاش های گسترده و تجربیات با ارزش او در سازماندهی مبارزات کارگران در ایران و فعالیت هایش برای کسب حمایت های جهانی از مبارزات کارگران ایران و دفاع از کارگران و زندانیان سیاسی، او را به چهره ای محبوب و مورد اعتماد در میان کارگران ایران تبدیل کرده است. از شلا دانشفر درباره نقش و تاثیرات حزب کمونیست کارگری در جنبش کارگری ایران پرسیده ایم. با تشکر از شلا دانشفر

قبل از هر چیز سالگرد تشکیل حزب را تبریک میگویم و به همین مناسبت جا دارد یاد منصور حکمت را بعنوان بنیانگذار و متفکر بزرگ کمونیسم کارگری گرامی بدارم. بطور واقعی رجوع به آثار و نوشته های ارزشمند منصور حکمت، از جمله برنامه حزب، یک دنیای بهتر و دیگر نوشته هایش در زمینه جنبش کارگری و کمونیسم کارگری به روشنی نقش حزب کمونیست کارگری و رشد گرایش چپ و رادیکال در راس این جنبش را نشان میدهد.

اما اجازه بدهید مشخص تر به سراغ سوال شما بروم. شما وقتی به جنبش کارگری نگاه میکنید جایگاه حزب را به روشنی میبینید. بطوریکه وقتی از نقش چپ در جامعه صحبت میشود حتی مخالفین ما نمیتوانند منکر

حضور و دخالت فعال حزب در جنبش کارگری شوند. جمهوری اسلامی نیز اینجا و آنجا در برخورد با اعتراضات کارگری بارها ناگزیر این را بر زبان آورده است. میخواهم بگویم این تنها یک ادعا نیست بلکه من میتوانم به جنبه های مختلفی از دخالتگری و نقش حزب کمونیست کارگری ایران در جنبش کارگری اشاره کنم. بطور مثال امروز یک نقطه قوت مهم جنبش کارگری جلو آمدن صف بزرگی از رهبران و فعالین کارگری است. حزب کمونیست کارگری ایران و مشخصا مباحثی که حمید تقوایی در ادامه بحث حزب و جامعه منصور حکمت و تحت عنوان ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی و تعیین بخشی چپ طرح کرد، نقش مهمی در جلو آمدن گرایش چپ و رادیکال در راس جنبش کارگری و جلو آمدن صفی از رهبران کارگری در سطح جامعه داشت. این بحث بطور واقعی افقی در مقابل جنبش کارگری قرار داد. بطوریکه قبل از این مباحث وقتی از رهبران سیاسی جامعه سخن در میان بود، تعداد معدودی از شخصیت های مخالف درون حکومتی و یا از میان اپوزسیون راست پرو و غرب در اذهان ظاهر میشد. اما بدنبال راه افتادن این گفتمان بطور واقعی ما شاهد تحولی در صف آرای نیروهای اجتماعی در جامعه و بطور مشخص جنبش کارگری بودیم.

مثال دیگر در رابطه با تاثیر حزب کمونیست کارگری ایران در جنبش کارگری را میتوان در عرصه سازمانیابی کارگری دید. یک تاکید ما از همان ابتدا این بود که تشکل کارگری امر خود کارگران است و نیازی به مجوز برای ایجاد آن نیست. کارگران در ایران با همین استدلال در مقابل سرکوبگری های رژیم اسلامی، شجاعانه ایستادند و تشکلهای

خود را ایجاد کردند. از جمله تشکلهای سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد و کمیته پیگیری و هماهنگی و انجمن برق و فلز و غیره در متن یک چنین تلاش و مبارزه جانانه از سوی کارگران شکل گرفت و صفی از رهبران کارگری با اسم و رسم و هویت خود قد علم کرده و بعنوان سخنگویان تشکلهای کارگری در سطح رسانه ها سخن گفتند و بعضا به چهره های شناخته شده جهانی ای تبدیل شدند. اینها همه دستاوردهای جنبش کارگری است و بطور واقعی قدمهایی عملی در ادامه همان چیزی است که ما از آن تحت عنوان ابراز وجود علنی رهبران کارگری و هویت یابی چپ در جامعه سخن گفتیم. بعلاوه اینکه ما امروز میبینیم که مجامع عمومی کارگری نه تنها یک رکن دایمی مبارزات کارگران در ایران است، بلکه مجامع عمومی کارگری بعنوان ظرف اعمال اراده مستقیم کارگران و محلی برای متشکل شدن و متحد ماندنشان امروز بیش از هر وقت جایگاه خود را در جنبش کارگری ایران پیدا کرده است. بطوریکه ما شاهد این هستیم که امروز کارگران دارند بطور آگاهانه تری به تشکیل منظم آن بعنوان محلی برای سازمانیابی، متحد شدن و اعمال اراده مستقیم خود تاکید میکنند. از جمله می بینیم که همین تشکل های کارگری موجود آنجا که بیانیه ای میدهند و اعتراضی را فرامیخوانند بر اینکه حق خود میدانند که با اتکا به مجامع عمومی کارگری خواستهای خود را پیگیر شوند، تاکید میکنند. یا فرضا دیدیم که ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه به قدرت تجمعات و اعتراضاتشان سندیکای خود را تشکیل دادند و بعد هم در بیانیه ای ۶ ماده ای خود بر تشکیل مجامع عمومی

منظم هفتگی به عنوان حق پایه ای شان برای متشکل شدن تاکید گذاشتند. یا همین امروز می بینیم که کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان با بیانیه ای ۵ ماده ای اعلام میکنند که هر هفته دو بار در محل دفتر بازنشستگی شهرشان جمع خواهند شد تا خواستهایشان را پیگیری کنند و صف اعتراض خود را متحد نگاهدارند. عینا در صنایع فلزی در تهران نیز می بینیم که کارگران مجامع عمومی بزرگ خود را تشکیل میدهند تا گامهای بعدی اعتراضشان را روشن کنند.

مثال دیگر برای نشان دادن نقش حزب کمونیست کارگری ایران در جنبش اعتراضی کارگری، تعیین یافتن بیشتر خواستها و مطالبات کارگران است. برنامه حزب یک دنیای بهتر یک نقش اساسی در این زمینه داشته است. من خاطرم هست وقتی اولین بار در برنامه حزب از آزادی بدون قید و شرط سخن گفتیم و یا به شاخص های واقعی برای تعیین حداقل دستمزد و سطح زندگی کارگر و مردم در این جامعه سخن اشاره کردیم و گفتیم که کارگر باید الگوی خود را از آخرین پیشروی های کارگری در سطح جهانی بگیرد، کسانی که خود را چپ نیز میدانستند طرح چنین خواستهایی را لیبرالی و غیر ممکن خواندند. اما پاسخ ما این بود که این ها خواسته های برحق کارگران و مردم است و نیز پیشرفتهای جوامع بشری و رشد تکنولوژی ممکن بودن آنها را نشان داده است و کارگران با نیروی اعتراضشان میتوانند و باید حقوق برحقشان را به دولت های بورژوایی تحمیل کنند. به این ترتیب ما گرایش ماکسیمالیست و چپ در درون جنبش کارگری را نمایندگی کردیم. شما گوشه ای از این مباحث را که در کتاب کار ارزان کارگر خاموش که متن کتبی

میزگردی است که حدود ۲۲ سال در نقد طرح قانون کار جمهوری اسلامی داشتیم و مشخصا در بحث های ارزنده ای که منصور حکمت در این میزگرد داشت می خوانید.

اینها همه گفتمانی است که ما در طول فعالیت بیست و چند ساله حزب تلاش کرده ایم، جلو ببریم و در متن آن افق روشنی در مقابل جنبش کارگری بگذاریم.

جنبه مهم دیگر نقش حزب در جنبش کارگری تعیین دادن به چپ و رشد نفوذ آن در راس جنبش کارگری بوده است. ما همواره از کشاکش دو گرایش اصلی در درون جنبش کارگری سخن گفته ایم. یکی گرایش سندیکالیستی راست که افقش رفرم در چارچوب جمهوری اسلامی است، کارگران را همواره به بیعت با قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی فراخوانده است، به متعارف شدن حکومت و شکوفایی اقتصاد آن دل بسته است و غیره. از جمله دیده ایم که چگونه نمایندگان چنین گرایشاتی در کنار راست ترین جریانات بورژوایی و صندوق بین المللی پول به مداحی از طرح ریاضت اقتصادی رژیم، "طرح هدفمند کردن یارانه ها" افتادند.

گرایش دیگر، گرایش چپ و رادیکال در جنبش کارگری است که با جنبش شورایی تداومی میشود، اتکانش به مجامع عمومی به عنوان محلی برای متحد شدن و تصمیم گیری کارگر برای دخالت در سرنوشت خود است و راه خلاصی کارگران از جهنم موجود را در رهایی از شر کل این حکومت با قانون اساسی، قانون کار و همه قوانین ارتجاعی اسلامی اش میداند. نگاهی به جنبش کارگری نشان میدهد که گرایش راست جایی در جنبش کارگری ندارد و

از صفحه ۳

بطور واقعی این گرایش چپ است که گفتمان های جنبش اعتراضی کارگری را تعیین میکند.

بالاخره اینکه در برابر چپ سنتی و حاشیه ای ما همواره بر جایگاه اجتماعی طبقه کارگر تاکید داشته ایم. يك تلاش دایمی این گرایشات تنزل دادن موقعیت طبقه کارگر به موقعیت صنفی اوست. اما از نظر ما طبقه کارگر نه تنها از استثمار بلکه از همه مصائب اجتماعی ناشی از سلطه سرمایه داری در جامعه در رنج است. تاکید ما اینست که طبقه کارگر برای اینکه خود را رها کند، اول باید جامعه را از شر توحش سرمایه داری حاکم نجات دهد و بطور عینی و اجتماعی نیر طبقه کارگر توان و قدرت انجام این کار را دارد. در راستای همین بحث است که ما بر جایگاه حزب یافتن طبقه کارگر تاکید کرده ایم. اما در تفکر و سیاست چپ ایدئولوژیک و حاشیه ای این مساله جایگاهی ندارد و کارگر از نظر آنها صرفاً يك صنف تولید کننده و استثمار شونده است. از همین رو برای آنها سیاست کارگری و طبعا حزب سیاسی طبقه کارگر هیچ جایگاهی ندارد. در این رابطه منصور حکمت نوشته های فراوانی دارد. از جمله او در رابطه با خواستها و مبارزات طبقه کارگر با بخش های مختلف جامعه مینویسد: "کارگر بودن به معنی بایکوت بقیه جامعه نیست. خلقی ترین، ملی ترین و ناسیونالیست ترین جریانات سیاسی طرفدار جنبش های کارگری ای در کارخانه هستند که فقط در کارخانه بماند، به کسی هم کاری نداشته باشد و بشود شاخه کارگری حکومت مصدق ایشان".

میخواهم بگویم که جدال دایمی ما با گرایشات راست در جامعه يك جنبه مهم از کار ما در تعیین دادن به چپ و بالا بردن نفوذ و قدرت چپ در راس جنبش کارگری

بوده است. تاثیرات مشخص این گفتمان ها را شما میتوانید در قطعنامه های اول مه ها و مناسبت های مختلفی که از سوی کارگران منتشر میشود، ببینید. حتی در مبارزات اعتراضی جاری کارگری نیز میتوانید این تاثیرات را مشاهده کنید. بطور مثال همین امروز در شرایطی که جامعه ایران بخاطر فقر و فلاکتی که بر زندگی معیشتشان حاکم شده است، به حد انفجار رسیده و رژیم اسلامی به سرکوب و اعدامهایش شدت داده است، می بینیم که چگونه اعتراض علیه اعدام در میان کارگران دارد شکل میگیرد. یا اینکه ما شاهد اینیم که کارگر از زندان بیانیه داده و در آن همبستگی خود را بطور مثال با مردم زلزله زده آذربایجان شرقی اعلام میکند، علیه فقر و گرانی اعتراض میکند و یا قتل ستار بهشتی را محکوم میکند و غیره. همچنین ما شاهد ابتکاراتی چون نمونه کاری که کارگران در پالایشگاه آبادان کردند و با اس ام اس های اعتراضی خود اعدام ها را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی شدند هستیم. نمونه دیگر از همین دست اعتراضات کاری است که کارگران در دو کارگاه الکتریکی در مجمع ذوب آهن اصفهان انجام داد و در اعتراض به اعدام ها نام کارگاه خود را ستار بهشتی نامیدند. یا بطور مثال ما شاهد اعزام تیم های کمک رسانی از جانب کارگران به زلزله زدگان آذربایجان شرقی هستیم. اینها نشانگر فضای جدیدی در جنبش کارگری ایران است. اینها شاخص هایست که نشان میدهد که چگونه امروز این چپ است که دارد گفتمان های درون جنبش کارگری را تعیین میکند.

با اتکا به این مولفه هاست که ما از دست بالا داشتن چپ در جنبش کارگری و در سطح جامعه سخن میگویم. به این معنی که علیرغم حاکمیت رژیم سرکوبگر اسلامی و علیرغم فقر و فلاکت

بسیار ای که بر جامعه حاکم است، جمهوری اسلامی نتوانسته اند سطح انتظارات مردم را پایین بیاورد. مردم آزادیخواه و برابری طلبند. مردم از داشتن يك زندگی انسانی و بدور از تبعیض سخن میگویند و ما بطور مثال با يك جنبش قوی علیه اعدام در جامعه روبرویم. با يك جنبش قوی علیه قوانین ارتجاعی اسلامی روبرویم. در متن چنین شرایطی جنبش اعتراضی کارگری بعنوان يك عرصه دایمی نبرد با رژیم اسلامی همواره نقش مهمی در فعال نگاه داشتن فضای سیاسی جامعه داشته است. به نظر من حزب کمونیست کارگری يك نقش محوری در قدرت گیری چپ در جامعه داشته است و موقعیت کنونی جنبش کارگری در ایران داشته است. امروز نیز با توجه به چنین موقعیت و شرایطی است که بطور واقعی جنبش نقش تعیین کننده ای در رادیکالیزه شدن مبارزات و اعتراضات توده ای در جامعه پیدا کرده و به فاکتور مهمی برای ممانعت از نفوذ و دخالتگری دولتها و نیروهای راست در تحولات سیاسی آتی ایران تبدیل شده است.

اما بعنوان آخرین نکته دوست دارم اشاره ای هم بر تاثیرات حزب کمونیست کارگری ایران در مبارزات جاری کارگری داشته باشم. اشاره ای بر نقش کانال جدید بر انعکاس صدای اعتراضات کارگری و بخش های مختلف مردم در سطح جامعه و جلب بیشترین همبستگی جامعه داشته باشم. این را بطور مثال شما در سال ۸۴ در جریان اعتصاب با شکوه کارگران شرکت واحد و برنامه های مستقیم کانال جدید، به روشنی دیدید. دیدید که چگونه رهبران کارگری در این برنامه ها شرکت کردند و فریاد اعتراضشان را بلند کردند. و نقش حزب را در رساندن صدای اعتراض این کارگران در سطح جامعه و در سطح جهانی دیدید. نمونه دیگرش در مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۸۵ بود. که عینا همین

اتفاق افتاد و نقش کانال جدید انعکاس بسیاری در میان کارگران داشت. نمونه های دیگرش در مبارزات اخیر کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان است. از جمله وقتی این کارگران فراخوان به تجمع و اعتراض میدادند، مردم در حمایت از آنها به محل تجمع آنان رفته و از اینکه از کانال جدید از اعتراض کارگران مطلع شده اند، سخن گفتند. در کیان تاپر و دهها مرکز کارگری دیگر عینا شما شاهد همین روند هستید. یا بطور مثال میتوانم به مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها اشاره کنم. چند سال قبل بود که ما با طرح این بحث که دستمزد کارگران باید توسط خود کارگران تعیین شود و الان که کارگران از داشتن تشکلی سراسری محرومند تا یکطرف تعیین میزان حداقل دستمزد خود باشند، مهم است که خودشان و همین تشکلهای موجود کارگری پا پیش گذارند. بعنوان اولین گام رقمی را در تقابل با دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر رژیم اسلامی، اعلام کنند و به این صورت صدای اعتراض خود را علیه شرایط برده واری کاری که کارگران تحمیل شده، بلند کنند. در برابر این تبیین ابتدا مقاومت هایی شد. اما کم کم این موضوع به گفتمان کارگران تبدیل شد. بعدا دیدیم که کارگران در سالهای مختلف با ارقامی چون ۴۵۰ هزار تومان در گام اول و یا يك میلیون

تومان و غیره جلو آمدند و ما شاهد شکل گیری جنبشی حول خواست افزایش دستمزدها بودیم. تا جاییکه سال گذشته کارگران بیانیه دادند و گفتند که حتی با دو میلیون تومان حداقل دستمزد هم نمیشود زندگی کرد و بر داشتن يك زندگی انسانی تاکید کردند. در ادامه چنین حرکتی است که امسال ما شاهد قدرتیگری مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها در میان کارگران هستیم.

میخواهم بگویم که ما به این صورت و در چنین اشکالی توانسته ایم بسیاری از گفتمان های خودمان را در جنبش کارگری و در سطح اجتماعی به جلو ببریم و نه فقط در جنبش کارگری بلکه در فضای کل جامعه میگذارند. کانال جدید طبعا يك ابزار مهم ما برای انجام این کار است. از نظر من بطور واقعی نیز مکانیزم بردن حزب به درون جامعه و جنبش کارگری همین است و در بستر چنین فعالیتی است که کارگران و مردم آلترناتیو خود را انتخاب میکنند.

در خاتمه بعنوان آخرین نکته فراخوان من به همه فعالین و رهبران کارگری و به همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب اینست که به این حزب بپیوندید تا با صف قدرتمند تری به جلو برویم و به توحش سرمایه داری حاکم خاتمه داده و جامعه ای آزاد و برابر و انسانی بسازیم.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K., Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden

حزب و مبارزه با قتل عمد دولتی



مینا احدی

اعدام یکی از شیوه های اصلی سرکوب و ایجاد رعب و وحشت جمهوری اسلامی در طول حاکمیتش بوده و مبارزه با قتل عمد دولتی یا اعدام یکی از بندهای برنامه ای حزب کمونیست کارگری و از عرصه های مهم فعالیت اعضا و کادر های حزب است. مینا احدی از پرچمداران مبارزه با اعدام در جهان است. در بیست و یکمین سالگرد تشکیل حزب از او خواش کردیم که درباره سیاست و نقش حزب در این کمپین علیه این توحش و عمل غیر انسانی بنویسد.

با تشکر از مینا احدی

اعدام با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران، یک وسیله مهم ترساندن جامعه و پس زدن مردم بوده و بنا بر این یک موضوع مهم مبارزه مردم و بطریق اولی احزاب اپوزیسیون بوده است.

جمهوری اسلامی با اعدام زاده شد. این حکومت برای سرکوب یک انقلاب علیه دیکتاتوری به میدان آورده شد و اولین "فعالیت هایش" اعدام نسل انقلابی بود. امروز دیگر کمتر کسی است که نفهمد نطفه های ننگین حکومت اسلامی با اعدامها بسته شد. ما قربانیان اول اعدامهای دسته جمعی بودیم. همزمان ما در جوخه های اعدام پنجاه و صد نفره جان باختند و سپس این حکومت توانست کمی پایه های لرزان خود را محکم کند.

در تاریخ این حکومت دو دوره اعدام های گسترده و جنایتکارانه بر علیه فعالین سیاسی ثبت شده است

سال شصت و سال شصت و هفت، هزاران جوان را کشتند و سببیت و بیرحمی زاید الوصفی را علیه زندانیان سیاسی اعمال کردند و اتفاقا اخیرا تریبونال رسیدگی به این جنایات در لاهه بود که فقط گوشه ای از یک سیستم جنایتکار و وحشیانه را جلوی چشم همه گرفت. از نظر من همه سران این حکومت، همه دست اندرکاران و سازندگان این دستگاه جنایت، باید د ریک دادگاه مردمی روزی محاکمه شوند. همه از خمینی و خامنه ای و احمدی نژاد و رفسنجانی تا خاتمی و موسوی و بنی صدر و سازگارا و سروش...

حکومت اسلامی اما همواره اعدام را در چنته داشته و هر گاه احساس ضعف و یا وحشت از اعتراض و قیام و نارضایتی شدید در بین مردم را کرده دسته جمعی جوانان را اعدام کرده، بهانه زیاد است یکی از رایج ترین بهانه ها "مواد مخدری" بودن افراد بوده است.

در ده و یا پانزده سال اخیر اعدامها بیشتر علیه مردم عادی بوده و بهمین دلیل هم همان احزاب و سازمانهای اپوزیسیون لطف اشان کمتر و کمتر شده و سکوت اشان بیشتر و بیشتر شده است. حزب ما اگر از سوی بی طرف ترین افراد هم مورد بررسی قرار بگیرد، در عرصه مقابله با اعدام جنگیده، فعال بوده و فرهنگ ساخته است.

اعدام قتل عمد دولتی است. امروز دیگر این جمله کلیدی ورد زبان همه است. این حرف و ارزیابی و تحلیل های منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری در مورد اعدام و بر علیه هر نوع اعدام، بحثهای مهم و موثر در جامعه ای هستند که قبل از آن همواره اعدام را تجربه کرده و به نوعی حتی اعدام را پذیرفته بود. اعدام انقلابی و یا حداقل نبود یک فرهنگ اعتراض علیه قتل عمد افراد در این جوامع مهم است و بنابر این با صدای بلند علیه اعدام

حرف زدن و پاسخ موضوعات را در بعد نظری دادن و وصل شدن به جنبش جهانی علیه اعدام بسیار مهم بود.

ما بویژه در دو دهه اخیر، در کنار قربانیان عادی اعدامها بودیم و به همراه آنها و خانواده های آنان جنگیدیم و با مجموعه برنامه های افشاگرانه و رادیو و تلویزیونی، با تماس گرفتن با خانواده های محکومین به اعدام، جوانان و نوجوانان محکوم به اعدام و زنان محکوم به اعدام، مبارزاتی را سازمان داده و به پیش بردیم که در دامن زدن به اعدام موثر بوده و حرمت قربانیان را جلوی چشم جامعه بالا برده است. هر کمپین علیه اعدام همراه بود با توضیح علل و شرایطی که این محکوم به اعدام را به سلول مرگ رسانده بود. علل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و نقش حکومت سرکوبگر و دیکتاتور اسلامی در این میان.

کمپین نجات کبرا رحمانپور، شهلا جاهد، فاطمه حقیقت پژوه و یا علی مهین ترابی، کمپین نجات نازنین فاتحی و ... با انجام مصاحبه با قربانیان و پاسخ دادن به اتهامات و فضا سازی مشتکی لمپن اسلامی علیه این افراد همراه بود و ما در این کمپین ها علیه سیستم قضایی حکومت اسلامی و بیرحمی و سببیت این سیستم حرف میزدیم. برخی از این کمپین ها باعث نجات فرد محکوم به اعدام و زانو زدن رژیم اسلامی شده است و این در نزد افکار عمومی ایران و بین الملل بسیار مهم بوده.

کمپین علیه اعدام فعالین سیاسی در این دوره با مبارزات گسترده در داخل و همچنین خارج ایران همراه بود. حکومت اسلامی با اعدام فرزند کمانگر چهره سرشناس و محبوب و چهار همزرم او، طوفان درو کرد و در عمل دید که به راحتی نمیتواند فعالین سیاسی را اعدام کند. هر مورد اعدام فعالین سیاسی

در مقابله با اعدام، در مقابله با این ستون و تکیه گاه جنایتکاران، میتوانستیم با روشهای مختلفی برخورد کنیم. میتوان بعنوان اپوزیسیون اعلامیه داد، وجدان را راحت کرد و رقت و نشست، میتوان نظاره گر بود و افسوس خورد و راه خود را کشید و رفت، بعنوان یک موضوع نه چندان مهم و حاشیه ای به آن برخورد کرد و به امان خدا رهائش کرد ... میتوان جنگید، در کنار قربانیان بود، پاسخ نظری و عملی داد و یک جبهه مهم از مبارزه علیه حکومت تعریفش کرد و فرهنگ ساخت و جامعه را برای ابد واکیسنه کرد. ما این آخرین روش را بکار بردیم.

قانون اساسی آینده ایران باشد. نه به اعدام در امروز و در آینده و نه به اعدام در همه جای جهان یک دستاورد مبارزات ما در ایران علیه اعدام است.

ما در مبارزه علیه اعدام این سنت را جا انداختیم که کسی و بویژه هیچ حزب و سازمانی جرات نمیکند از اعدام دفاع کند. ما به همراه مردم مخالف اعدام و یا نهادهای مخالف اعدام این سنت را جا انداختیم که زنان و مردانی از اعماق جامعه، از سلولهای مرگ جمهوری اسلامی چهره شدند و در مورد آنها فیلم ساخته شد.

جنبش علیه اعدام در ایران دو جنبه دارد، مبارزات مردم و قربانیان و خانواده های آنها که با اعتراضات گسترده بین المللی و با پرچم دار شدن و مدعی بودن این مبارزات و حرف داشتن و پاسخ ادعاهای رژیم را دادن، این دو جنبه از اعتراضات بهم وصل شده و خاری در چشم حکومت اسلامی شده است.

من ادعا میکنم که در این مبارزات علیه اعدام حزب ما نقش درخشان و درجه اولی را بازی کرده است و در این مبارزات صدها و هزاران نفر سهم و شریک بوده اند.

کسانی که در سراسر جهان در سرما و گرما به خیابان رفته و در ایران زیر چشم جلادان میتینگ و اعتراض سازمان داده و همراه خانواده های محکومین به اعدام بوده اند. ما قبل از به قدرت رسیدن منشا اثر بوده ایم و این یکی از مهمترین قسمت های تاثیر گذاری حزب ما بوده است.*

با اعتراضات گسترده ای در سالهای اخیر مواجه شده یک نکته مهم به حرکت در آمدن خانواده ها و مردم و تجمع کردن در مقابل در زندانها بوده که در مواردی مثل حکم اعدام حبیب گلپریان عملا رژیم را وادار به عقب نشینی و احتیاط کرده است.

خلاصه کنم، ما در عرصه مبارزه علیه اعدام، همواره حاضر بوده و در اقصی نقاط جهان میتینگ و حرکت اعتراضی سازمان داده، با زندانیان در اعماق زندانها تماس داشته، آنها را به دنیا معرفی کرده و زیر فشار افکار عمومی دولتها و نهادهای بین المللی را تحت فشار گذاشته و کار لایستی و فشار به نهادهای بین المللی را نیز پیش برده ایم. و به همراه خانواده ها دلمان لرزیده و به همراه محکومین به اعدام جنگیده ایم. این بسیار مهم است. برای ساختن یک جامعه عاری از اعدام، باید قباح و سببیت اعدام را جلوی چشم جامعه گذاشت. صبر و شکیبایی در قبال اعدام و عادی جلوه دادن آن برای جامعه سم است. هر انسانی را که میکشند، در حقیقت یک دنیا را نابود میکنند. با همین احساس و خشم باید علیه اعدامها فعالیت کرد و این احساس را باید به جامعه منتقل کرد.

در ایران مردم به حرکت در آمده و اکنون هر مورد اعدام با مبارزه و اعتراض روبرو میشود. ایران با مقابله با اعدام اعلام میکند که در آینده این سببیت و وحشیگری به هر بهانه ای نباید جایی در سیستم و حکومت داشته و احترام به انسان و مقدس دانستن وجود انسانی باید یک سرلوحه مهم

حزبی که باید به آن پیوست

از صفحه ۱

جنبش های موسوم به بهار عربی تاکید دیگری بر واقعی بودن و عملی بودن نظرات منصور حکمت است. اما جنبشی که منصور حکمت پیش بینی آن را کرده و خطوط پیروزی آن را ترسیم کرده بود، در ایران خود را خیلی زودتر نشان داد. جنبش کارگری با خواست رفاه، کرامت و ارزش انسانی به میدان آمد، جنبش علیه آپارتاید جنسی هر روز گسترش یافت، جنبش علیه اعدام و سنگسار حکومت اسلامی را زیر منگنه گذاشت و آن را در سطح جهان رسوا و منزوی کرد و دفاع از آزادی بیقید و شرط بیان خود را در متن اعتراضات وسیع دفاع از آزادی زندانیان سیاسی نشان داد، اظهار عجز مقامات جمهوری اسلامی در مقابل نافرمانی مردم از قوانین مذهبی، قدرت جنبش قدرتمند علیه اسلام سیاسی و مداخله مذهب در امور اجتماعی را نشان داد. تاثیر سیاست های حزب، برنامه یک دنیای بهتر و نقش فعالین حزب را در فضای جامعه ایران، قدرتگیری اعتراضات و پیشروی جنبش های آزادیخواهانه میتوان دید.

۲۱ سال از عمر حزب می گذرد. هر روز از عمر حزب کمونیست کارگری صفحه ای از یک کارنامه است که می توان آن را با غرور و افتخار در مقابل چشمان همه قرار داد. حزب هنوز راهی دشوار در پیش دارد. اما این حزب نوپای ۲۱ سال پیش نیست. این حزب حاصل اندیشه های نویسندگان مانیفست کمونیست، منصور حکمت و بسیاری متفکران کمونیست و حاصل دهها سال تلاش و فعالیت درخشان و وقفه ناپذیر نسلی از انسان های آزادیخواه و سازش ناپذیر است. این حزب محصول و نماینده جنبش اجتماعی عظیمی است که نه تنها می تواند سرنوشت مردم ایران را تغییر دهد بلکه تاثیرات عظیم

تانکها برای که به حرکت در می آیند؟

از صفحه ۲

سیاستگزاران آمریکایی با برخی جریانات سکولار مصری در مورد آینده مصر به بیرون درز کرده است. این يك احتمال واقعی است که اگر انقلاب با برنامه چپ و رادیکال تعریف شده ای جلو نیاید، يك دولت بورژوا - لیبرال که خود را سکولار تعریف میکند نهایتا سرکار کشیده شود. این البته بعد از تشنجات و درگیریهای بسیار و شکست اسلامی ها خواهد بود که مدتی طول خواهد کشید. يك حالت محتمل قبل از آن سازش میان اخوان و لیبرالهاست، که نتیجه آن نیز دولتی که رسماً اسلامی نیست اما اسلامی ها در آن نقش دارند خواهد بود.

هر کدام از این حالات که پیش رود و هر دولتی که اینگونه سرکار بیاید ناچار است يك سری از حقوق و آزادیهای سیاسی و قوانین رفاهی را به نفع مردم به رسمیت بشناسد تا بتواند برای دوره ای حمایت مردمی پیدا کند. و نفس همین حقوق این فضا و امکان را ایجاد میکند که طبقه کارگر و نیروهای چپ و کمونیست بتوانند خود را متشکل کنند، برنامه روشنی ارائه دهند و نیروهای اجتماعی خود را بسیج نمایند و در شکل دادن به اوضاع نقش تعیین کننده تری ایفا نمایند.

البته میتوان به حالات بدتری هم فکر کرد که اوضاع برای مدتی طولانی در حالت جنگ و کشاکش و بی ثباتی ادامه یابد بدون اینکه تکلیف اوضاع به سمت سیاست رادیکال و پیشروی سره شود. در این صورت شاهد فرسودگی اجتماعی، تخریب و فلج اقتصادی و بی افقی و بی آیندگی در جامعه خواهیم بود. این حالتی است که

ومرسی فراخوان شرکت در رای گیری بدهند. اما بدون سازش و مصالحه این امکان پذیر نیست. و مصالحه بدون پس گرفتن رای گیری در ۱۵ دسامبر و عقب انداختن آن غیر محتمل است. بنابر این احتمال بیشتر این خواهد بود که مرسی و دولتش هر طور شده يك فرزندوم شکسته بسته برگزار کنند و قانون اساسی شان را به رای بگذارند و به تصویب برسانند. این يك احتمال واقعی است. بنظر من اگر اوضاع اینگونه پیش رود فضای مصر متشنج تر خواهد شد و کشاکش مردم انقلابی با اخوانی ها امکان سازش و مصالحه ای را در کوتاه مدت باقی نمیگذارد. قانون اساسی ای که اخوان برای مصر تدارک دیده است و در آن تفاسیر اسلامی دست بالا را دارد قابل اجرا در مصر نخواهد بود. و نهایتا کنار زده خواهد شد. این قانون تا آنجا که منتشر شده حقوق زنان را محدود نموده است، آزادی بیان را محدود کرده و آزادی عقیده را نیز بنا به درک اسلامی ها نوشته است. و آخوندهای الازهر را بعنوان مرجع رسمی تفسیر قانون (چیزی شبیه ولی فقیه) تعیین کرده است. اگر این قانون در ۱۵ دسامبر رسمیت یابد، دوره ای طولانی از جنگ و جدال جدی ادامه خواهد یافت و نهایتا با کنار زدن اسلامی ها این فاز به سرانجام خواهد رسید. در این جریان بورژوازی در غرب و در خود مصر تلاش میکند حمایت خود از اخوان را پس بگیرد و جریانات بورژوا - لیبرال نظیر البرادعی و عمرو موسی و جریانات مشابه را جلو براند. هم اکنون خبرهایی از مذاکرات پشت پرده میان

خود را در کشورهای منطقه و حتی در دنیا بگذارد. به همین دلیل این حزب باید هر روز قویتر و گسترده تر شود و به همین دلیل باید به آن

میتواند به بورژوازی کمک کند که بتواند ارتش و بخشهای واژه جامعه و لپنها را پشت خود بسیج کند و يك نیروی ضد انقلابی را متشکل نماید و دست به کودتا و ترور و سرکوب خونین مردمی که افق خود را از دست داده اند بزند و به دوره انقلابی به این شکل خاتمه دهد.

اما شخصا فکر میکنم اگر وضعیت مصر را بر متن اوضاع کل منطقه ببینیم این حالت بسیار بعید بنظر میرسد. روندهای سیاسی در مصر مستقیماً از اوضاع تونس، سوریه، و ایران متاثر است و بر آنها تاثیر متقابل دارد. هم اکنون تونس دستخوش تحولات زیادی است. کارگران در برابر ارتجاع اسلامی صف آرایی کرده اند. نیروهای سکولار بنظر میرسد نقش بیشتر و بیشتری پیدا کرده اند. در سوریه احتمال سرنگونی قریب الوقوع بشار اسد بسیار زیاد است. و مهمتر از همه ایران است که آستان تحولات امید بخشی است و صف آرایی اجتماعی در مقابل حکومت اسلامی بسیار شفاف و روشن است و طبقه کارگر آگاه و چپ فرموله ای وجود دارد. همه اینها میتواند بر شرایط مصر تاثیرات عمیقی بگذارد و فضا را برای پیشروی سریع و تعیین کننده صف چپ و رادیکال و سکولار در مصر مساعد تر نماید.

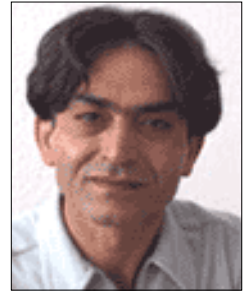
آنچه روشن است هم مصر و هم کل کشورهایی که در التهاب انقلابی بسر میبرند، دارند این را نشان میدهند که دوره دیگری در کل منطقه آغاز شده است که برگشت پذیر نیست و هیچ بخشی از ارتجاع نمیتواند بسادگی این روند مهم و تاریخی را به عقب بازگرداند. این طلوع يك فصل دیگر در تاریخ منطقه است.*

همه مردم آزادیخواه و شریف ایران و به اعضا و کادراهی پر تلاش و خستگی ناپذیر حزب تبریک می گوئیم.*

پیوست.

بیست و یکمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری را به همه کارگران و زحمتکشان به

مضحکه انتخابات رژیم، آرایش و صف بندیهای جریان‌های حکومتی



محمد شکوهی

در هفته‌های اخیر با نزدیک شدن مضحکه انتخابات حکومتی، جنگ و دعوای باندها و دار و دسته‌های حکومتی بالا گرفته است. هر کدام از آنها تقلابا و تلاش هایشان را برای جلب "رضایت خامنه‌ای"، برای گذشتن از فیلتر شورای نگهبان و هیات نظارت انتخابات حکومتی، متمرکز کرده اند. صف بندیهای باندهای حکومتی و جریان‌های اصلی رژیم حول انتخابات معرفی کاندید و کاندیدها هر روز در حال تغییر است. با اعلام اصلاح قانون انتخابات رژیم، از مدتی پیش، جنگ و دعوای باندهای حکومتی حول و حوش این اصلاحات حدت و شدت بیشتری به خود گرفته است. موافقان این اصلاحات که در بیت رهبری و اصولگرایان گردآمده اند، آن را ضروری می دانند. اما مخالفان گرد آمده به دور احمدی نژاد و باندهای دولتی و همچنین باند رفسنجانی، این اصلاحات را "ایجاد محدودیت" قلمداد کرده اند. قانون انتخابات دلیل برای دعوای افشاگری های باند های حکومتی بر علیه همدیگر شده است. بعد از چند هفته دعوای و کشمکش بالاخره این

قانون تصویب شد. خامنه ای و شورای نگهبان و هیات نظارت انتخاب شده از طرف وی، تمام سعی و تلاش شان را مصروف "مهاریان انحرافی" و جلوگیری از عبور کاندیدهای احتمالی این جریان از صافی شورای نگهبان متمرکز کرده اند.

آرایش سیاسی و صف بندیهای حکومتی حول و موضوع انتخابات حکومت روبروز در حال تغییر بوده؛ به عبارتی موضوع انتخابات و معرفی کاندید، آرایش و صف بندیهای باندها و دار و دسته های حکومتی را دچار تغییر و تحولات جدی کرده است. حول این موضوع وحدت ها و ائتلاف ها و صف بندیهای جدیدی شکل گرفته و یا در حال شکل گیری می باشد. تا بحال باندهای مورد حمایت بیت رهبری، با تصویب قانون اصلاح انتخابات، دست بالا را پیدا کرده اند. جریان مخالف این اصلاحات فعلا مجبور به هضم تغییرات مورد نظر خامنه ای می باشد. ظاهرا با حل موضوع اصلاحات قانون انتخابات، جنگ و دعوای و دسته بندیهای حکومتی وارد مرحله معرفی کاندیدها شده است. اینجا احزاب و جریان‌های سیاسی حکومتی اعم از دولتی ها و مجلسی ها و باندهای حول و حوش رفسنجانی و ... وارد رقابت های انتخاباتی و معرفی کاندید شده اند. در اینجا نگاهی می اندازیم به صف بندیهای جریان‌های حکومتی حول انتخابات، احتمالات و شانس باندهای حکومتی در تسخیر پست ریاست جمهوری اسلامی. برای روشنتر

شدن موضوع ابتدا نگاهی به صف بندیهای موجود در جریان‌های حکومتی می اندازیم. جریان‌های حکومتی با نفوذ و تاثیر گذار در کل سیستم جمهوری اسلامی اساسا به سه دسته و گروه اصلی و یک گروه خارج این سه دسته تقسیم میشوند.

دسته اول اصولگرایان - که کلا به اسم اصولگرایان سنتی معروف بوده، در مجلس اکثریت دارند و حول لاریجانی ها، باهنر و حداد عادل گرد آمده اند. خود این جریان به چندین دار و دسته تقسیم شده است. "شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی" بزرگترین ائتلاف این جریان می باشد که از سه گروه سه گروه مهم جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جبهه پیروان خط امام و رهبری تشکیل شده است. این جریان به گروهها و فراکسیونهای مختلفی در مجلس تقسیم میشود. زیر مجموعه های این تشکل عبارتند از: فراکسیون اصولگرایان، فراکسیون انقلاب اسلامی، دار و دسته های جبهه پیروان ولایت، اصولگرایان منتقد، پیروان خط امام و رهبری، جبهه پایداری، جبهه متحد اصولگرایان. از جمله شخصیت‌های مطرح این جریان علی لاریجانی، ولایتی، منوچهر متکی، پور محمدی، قالیباف و رضایی می باشند. علاوه بر این جریان حداد عادل، جبهه پایداری تعداد دیگری از شخصیت های رژیم را در بر میگیرد، از جمله قالیباف، توکلی و نادران. کاندیدهای احتمالی و مطرح این جریان، علی لاریجانی، ولایتی، حدادعادل و شاید

قالیباف باشند. احزاب و جریان‌های سازمانهای اصولگرایی چون جمعیت موفته، جامعه اسلامی مهندسین، جامعه روحانیت، جامعه روحانیت مبارز، در طیف اصولگرایان سنتی قرار میگیرند.

دسته دوم دولتیهها و باند احمدی نژاد - این گروه که سکان اداره دولت را تا چند ماه دیگر در دست دارند، از تشکل های ساخته و پرداخته احمدی نژادیهها در جریان انتخابات ۸۴، نظیر رایجه خوش خدمت، جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی، جنبش عدالت خواهی دانشجویی، فراکسیون هواداران دولتی ها در مجلس، جریان گردآمده حول مشایی، بقایی یا آنچه که طرف مقابل به آن "جریان انحرافی" اطلاق می کند، قرار دارند. راس این باند احمدی نژاد، مشایی، بقایی، پور محمدی، جوانفکر، الهام، صالحی، منوچهر متکی و دار و دسته معروف به "حلقه غرب کشور"، از محصولی گرفته تا وزرای دولت فعلی و ... می باشد. شانس دولتی ها و باندهای گردآمده در آن در مقابل کل جریان اصولگرایی حکومت تقریبا صفر می باشد. "جبهه حامیان دولت" طیف وسیعی از اصولگرایان راست سنتی ومردن و اصولگرایان تحول خواه را در بر میگیرد.

این جریان چهره شاخص که بتواند در برابر چهره های شاخص جریان اصولگرایی بگذارد، ندارد. ولی بین همه شخصیت‌هایی را که در بالا نام برده شد شانس، صالحی، پورمحمدی و الهام برای کاندید شدن در میان بقیه بالاتر است.

دسته سوم اصلاح طلبان حکومتی - این گروه طیفی از اصولگرایان منتقد مجلس و دولت گرفته تا باندهای دور بر رفسنجانی و برخی چهره های قدیمی تر رژیم هستند. متشکل ترین این جریان فراکسیون اصلاح طلبان حکومتی در مجلس می باشد که نزدیک به ۶۰ نماینده دارد. این جریان در واقع کل نیروی اصلاح طلبان حکومتی است که فعلا در مجلس می باشد. نقش رفسنجانی و چهره های مورد حمایت جریان رفسنجانی در دسته سوم، تعداد قابل توجهی از عناصر گوناگون حکومت را در بر میگیرد. خود رفسنجانی بخشا محور این دار و دسته ها می باشد. موضوع کاندیداتوری رفسنجانی و یا شخصیت مورد تائید وی، مدام جبهه بندیهای این دار و دسته ها را تحت تاثیر قرار میدهد. چهره های اصلی این جریان‌ها در کنار رفسنجانی، محمدخاتمی، حسن روحانی، موسوی خویینی ها، محمدرضا عارف، کمال خرازی، حسن خینی و جهانگیری می باشند. در صورتیکه رفسنجانی کاندید نشود و دو دسته دیگر نتوانند رضایت خامنه ای را تامین نمایند؛ احتمال باز شدن بحث معرفی کاندید اصلح کل این جریان در یک توافق با رفسنجانی و باندهای دوربرش در برابر تلاش های دولتی ها وجود دارد. این جریان هر چند چهره های شاخص تری دارد ولی مورد تائیدخامنه ای نیست و فعلا "تحمل" میشود.

ادامه صفحه ۸

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

انتخابات و جنگ جناحها: شمشیرها از رو بسته شد



خلیل کیوان

۳۰۳ خامنه ای برای فرار ایشان از کشور نیز، آماده شده بود. صحبت های جلسه سری سران سپاه در باره حوادث ۸۸ هم، که به بیرون درز کرد نیز، بر این نکته صحنه گذاشت. در جلسه سپاه گفته شد که اگر تظاهرات های ۶ دی (عاشورا) بهم وصل میشد، تهران سقوط میکرد.

اکنون و چند ماه به برگزاری انتخابات، کابوس رژیم آغاز شده است. هر چه به انتخابات نزدیکتر شویم، رویارویی ها حادثتر میشود. جناح احمدی نژاد از يك سو و جناح خامنه ای و لاریجانی ها در حال محکم کردن صفوف خود هستند. رفسنجانی نیز در حال سبک و سنگین کردن موقعیت خود است. فی الحال، دعوای های درونی رژیم بر سر طرح اصلاح قانون انتخابات متمرکز شده است. طرحی که مفادی از آن تصویب شده است اما برای نهایی شدن باید به تأیید شورای نگهبان برسد. امری که با توجه به در اختیار داشتن این نهاد توسط جناح خامنه ای، دور از انتظار نیست.

این طرح اختیارات دولت در برگزاری انتخابات را محدود میکند و در عوض اختیارات مجلس و قوه قضائیه را که در اختیار جناح خامنه ای - لاریجانی هاست، افزایش داده است. بعلاوه، در طرح اصلاحیه قانون انتخابات، شرط سنی برای کاندیداتوری قائل شده اند. به این ترتیب که کاندیداها نباید بیش از ۷۵ سال سن داشته باشند. شرط دیگری که برای کاندیداتوری قائل شده اند این است که، نامزد انتخابات ریاست جمهوری باید به تأیید یکصد نفر از رجال سیاسی کشور

اکنون و با تصویب طرح اصلاحیه قانون انتخابات نیز، بیش از پیش در میان جناح هائی از حکومت بی اعتبارتر میشود. انتخابات و حوادث پیرامون آن حکایت از حال زار جمهوری اسلامی دارد. این حکومت سراسیمه است و صفوف آن بهم ریخته، بر سر و کله هم میکوبند، یکدیگر را گاز میگیرند. مردم هم

مضحک انتخابات رژیم، آرایش و صف بندیهای جریانات حکومتی

از صفحه ۷

در کنار این دسته بندیهای جریانات حکومتی دسته چهارمی نیز وجود دارد که بخشی از عناصر مهم سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی را در بر میگیرد. نقش این عناصر و امکان مطرح شدنشان توسط خامنه ای در انتخابات آتی هنوز منتفی نیست. نظامیان، عناصر امنیتی و برخی چهره های رژیم در این دسته قرار دارند. این افراد وابستگی به جریان خاص سیاسی حکومت و باندهای حکومتی در يك دهه گذشته نداشته اند. از نظر سیاسی اینها عمدتاً وابسته به بیت رهبری و تحت امر خامنه ای می باشند. جریان غالب و تمایل سیاسی این چهره ها اصولگرایان سنتی وابسته به بیت رهبری می باشند. از چهره های شاخص این جریان، ولایتی، جلیلی قالیباف، رضایی، فلاحیان، ضرغامی را می شود نام برد. اینها را می توان نیروهای "احتیاط" خامنه ای برای روز مبادا دانست. شرط به صحنه آوردن و یا نیاوردن اینها توسط

مترصد فرجه ای هستند که بساط همه این جنایتکاران را برای همیشه جمع کنند. مضحکه انتخابات بعدی از هر نظر متفاوت تر است. باید برای مصادف با رژیمی که صفوف آن درهم ریخته تر از همیشه، ورشکسته تر، درمانده تر و وحشت زده تر است، آماده شویم.*

بیت رهبری، بسته به روند معرفی کاندیداها و حضور چهره های مورد تأیید خامنه ای و تأمین نظرات خامنه ای در معرفی کاندیداها می باشد. به این معنا که تابعیت تام کاندیداها از ولی فقیه و اوامر و سیاستهای خامنه ای، يك فاکتور تعیین کننده می باشد. از نظر خامنه ای دولتی ها و جریان احمدی نژاد امتحان خوبی پس نداده اند. جریان اصولگرایان سنتی با قدرت و نفوذی که درمجلس دارند و بخشا مورد تأیید خامنه ای نیز می باشند، فعلاً کاندیداهاى این جریان ضمنی مورد تأیید خامنه ای می باشد. لاریجانی، ولایتی، حداد عادل چهره های مورد حمایت ضمنی خامنه ای می باشند. اصلاح طلبان حکومتی هم امتحان پس داده اند و شانس آنها برای تأیید از شورای نگهبان و بیت رهبری بسیار ضعیف می باشد. در هر حال این خامنه ای است که نهایتاً تصمیم میگیرد چه کسی رئیس جمهور باشد. بازبهای سیاسی دار و دسته های حکومتی نهایتاً تأثیری در این انتخابات ندارد.*

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

همه باید بروند!

یاشار سهدی

شایسته، مدیر، مدیر و امین و از جهات گوناگون توانمند می شناسم و آشنایی با شما را برای خود هدیه الهی و افتخاری بزرگ می شمارم. همه این صفاتی که او درباره مشایبی بکار برده میبایست در مورد خامنه ای بکار میبرد اما محض نمونه برای یکبار هم شده بندگان خود را اینگونه به مقام عظمای ولایت نشان نداده بلکه برعکس هر جا که توانسته با این عنوان که انتخاب مستقیم (!) مردم است و طبق قانون اساسی شخص اول نظام است "رهبری نظام" را تحقیر هم کرده.

آنهایی که دوست دارند سیاه را سفید جلوه دهند اینگونه میگویند که احمدی نژاد سیاست پوتین-مدودف را در پیش گرفته و دور خیز کرده که یارانش را به ریاست جمهوری برساند و بعد از چهار سال دوباره خودش بشود شخص اول مملکت! همین ها میگویند که احمدی نژاد چیزهای میداند که میتواند بی آبرو بازی دریاورد برای همین تحملش میکنند. میگویند آقا تحملش میکند تا این چند ماه بگذرد تا بعد یک جوهرهای سرش را زیر آب کنند. اما به تجربه ثابت شده است که رژیمهای دیکتاتوری تا آنجا که بتوانند اختلافات خود را پشت پرده حل و فصل میکنند نه جلو چشم همه مردم، اما وقتی که اینگونه بی پروا مانند احمدی نژاد رفتار میکنند و مثل سگ و گربه بهم میبرند، گویای آن است که از واکنش مردم نگران و در هراسند.

حکایت روسای جمهور، جمهوری اسلامی حکایت غریبی است. از بنی صدر تا احمدی نژاد (به جز رجایی که ترور شد و خود خامنه ای که به کمک "مرد بحران" به مقام عظمای ولایت رسید) همگی بنوعی مغضوب حکومت شدند. این اما همه اش به روحیات "دیکتاتور بزرگ" بر نمیگردد بلکه بدین خاطر است که این حکومت با بحران متولد شد و این بحران را تا روز نابودی اش با خود

حمل خواهد کرد. خیلی ها دوست داشتند با روی کار آوردن احمدی نژاد به مردم بباوراند که این مردم پایین دست جامعه بودند که او را انتخاب کردند، چون قیافه مردمی (!) داشت و یکعده هم سخت باورشان شد که این حکومت متعارف شده است چون دیگر یک معمم رئیس جمهور نیست، یارانه ها را هم حذف کرد، انگلیس را تحقیر کرد، چون قدرت منطقیه ای شده و اما وقایع این روزها یکبار دیگر ثابت کرد که پایه های این حکومت چقدر لرزان است. این حکومت هیچگاه نتوانست روی ثبات را به خود ببیند، نه اینکه سوادش (مدرك اش!) را نداشتند یا اشخاص فرهیخته ای نبودند، بلکه چون امکانش نبود.

باید وقایع آن روی سکه را هم دید. آن روی سکه مردمی هستند که سی و سه سال است با وجود همه مصائبی که سرشان آمده هنوز به

دنبال رفاه و آزادی هستند. سی و سه سال این حکومت جنایت میکند اما بعنوان نمونه قتل ستار بهشتی چنان یقه حکومت را گرفته که هر روزی چیزی میگوید. جنایتی که قرار بوده باعث شود مردم را بترساند و ساکت کند. این حکومت بیش از سه دهه است که زندانیان از هر گونه حقی محروم کرده است اما "وکیل در بند" نسرین ستوده تا پای مرگ مقاومت کرد و این حکومت مجبور به کرنش شد. فعالین کارگری در بند که هر لحظه بیم آن میروند در زندان بلای سرشان بیابید ساکت نبودند و نامه های اعتراضی مینویسند. مردم گرسنه در نیشابور در یک اعتراض چند ساعته کل حکومت را به چالش میکشند. مردم تهران مرکز شهر را غرق کردند و هر شعاری خواستند علیه حکومت به زبان آوردند. بازنشستگان ذوب آهن در اصفهان با وجود اینکه مدام سر دوانده میشوند

اما کوتاه نیامدند و پیگیرانه خواستار مطالباتشان هستند. اعتصاب کارگران پتروشیمی ها، اعتراض هر روزه کارگران جلو مجلس، اعتصاب کارگران در ساوه و ده ها اعتصاب دیگر از سوی کارگران، و به اینها اضافه کنید دادگاه ایران تریبونال را حکم نمادین آن همه دست اندرکاران جمهوری اسلامی را جنایتکار معرفی کرد. همه اینها و اتفاقاتی از این دست است که جانبان حاکم را به جان هم انداخته، نمی توانند آرام بگیرند چون زمین زیر پایشان بشدت داغ شده و به رقص مرگ وادار شدند. احمدی نژاد مهره سوخته این حکومت است، او می داند کارش تمام است تصمیم گرفته همه را با خود ببرد. آقا و کل نظام هم انتخابی دیگر ندارند باید با او بروند.*

۴۰۰ کفش بدون صاحب، به نشانه حداقل ۴۰۰ اعدام در ایران در سال ۲۰۱۲

در میتینگ اعتراضی روز شنبه ۸ دسامبر در کلن آلمان شرکت کنید!

۱ دسامبر ۲۰۱۲
Mina Ahadi
International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
minnaahadi@gmail.com
Tel: 0049 (0)
1775692413
http://
notonemoreexecution.org
http://
stopstoningnow.com/
wpress/

وستانفان دعوت میکنیم که در این حرکت اعتراضی به نقض وحشیانه حقوق انسانی در ایران و اعتراض به اعدامهای گسترده شرکت کنند. شنبه ۸ دسامبر ۲۰۱۲ مقابل در ورودی بانهوف اصلی کلن ساعت ۱۵

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته بین المللی علیه اعدام

به دعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن به مناسبت ده دسامبر روز جهانی دفاع از حقوق بشر، قرار است در مقابل در ورودی اصلی ایستگاه مرکزی شهر کلن یک برنامه اعتراضی به اعدامها در ایران اجرا شود.

۴۰۰ کفش بدون صاحب، بیانگر حداقل ۴۰۰ اعدام در ایران در یکسال گذشته خواهد بود.

کمیته بین المللی علیه اعدام از این اقدام دوستان جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی استقبال کرده و خود را در این حرکت سهیم میدانند. کفش های بدون صاحب و گلهای نسرین در دست به یاد همه نسرین های در بند. از همه مردم آزاده در شهر کلن و استان نورد راین



هوای آلوده، بلای جان مردم!

مهراب دشتی

صدهانفر می شود .

تا جایی که به زلزله مربوط است، خانه های نامقاوم و غیراستاندارد که باز هم نتیجه ی فقرتحمیل شده ی سرمایه داری به مردم است، بیشترین خسارت های مالی و جانی را ببارمی آورد. هرچند که بضاعت تا کنونی علم زمین شناسی و لرزه شناسی قادر نیست وقوع زلزله را اعلام و از وقوع آن جلوگیری کند اما در صورت انجام اقدامات پیشگیرانه خسارت های وارده می تواند دهها برابر کمتر باشد به و از قربانی شدن مردم جلوگیری شود. این در بسیاری از کشور های جهان عملی شده. در مناطق زلزله خیز به مقاوم سازی ساخت و سازها می پردازند و در صورت وقوع زلزله، در اسرع وقت خرابی ها را ترمیم می کنند. در حالی که هنوز خرابی های زلزله های رودبار بعد از ۲۰ سال و بم بعد از ۱۲ سال برطرف نشده است.

چند ماه پیش زلزله ی آذربایجان شرقی خانواده های زیادی را بی خانمان کرده و تعداد زیادی را کشته است. بسیاری از مردم این منطقه در سرمای سخت زمستان در چادر های موقت و بدون هیچ گونه امکانات زندگی می کنند و معلوم نیست خانه های آوار شده، کی ساخته خواهند شد و زخم های مردم آواره شده کی التیام خواهد یافت؟ اما آنچه که معلوم است، این کار در حکومت جمهوری اسلامی عملی نخواهد شد.

آلودگی محیط زیست و مشخصا آلودگی هوا، همانند زلزله يك بلای طبیعی نیست بلکه نتیجه ی مستقیم کارکردهای سودطلبانه ی سرمایه داری است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که هارترین، مرتجع ترین

و درعین حال گندیده ترین نوع سرمایه داری رانمایدگی می کند، آلودگی هوا نتیجه ی مستقیم سود خواهی سرمایه داران و دولت حامی آن هاست. عوامفریبی است اگر عامل اصلی آلودگی های اخیر در تهران و چندشهر بزرگ دیگر را پدیده ی "آرونگی" بدانیم. بیابان زایی در قسمت های غرب و جنوب غربی کشور در اثر جنگ ضد بشری ایران و عراق به بهانه ی ساختن جاده های نظامی از یک طرف و رقابت رژیم های سرمایه داری همسایه یعنی عراق و ترکیه برای غارت منابع طبیعی و ویران سازی محیط زیست، نبود هیچگونه اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده مانند ایجاد پوشش گیاهی، مالچ پاشی و روش های مشابه برای جلوگیری از حرکت شن های روان و ایجا دگر و خاک باعث شده که هوای استان های غربی و جنوبی ایران در بسیاری از ماه های سال آلوده و گردآلود باشد.

تولید بنزین غیراستاندارد در پالایشگاه های داخل و فروش آن باعث بدسوزی در خودروها و انتشار ذرات و گازهای نیمسوز شده که به شدت آلودگی هوای شهرها دامن می زند. آلودگی حاصل از خودروها و کارخانه های و کارگاه ها در حال سراسری شدن است، چراکه شهرهای زیادی از کشور دچار آلودگی هوا شده اند.

تولید خودروهای غیراستاندارد و خرید اتوبوس ها و مینی بوس های از رده خارج کشورهای اروپایی و هندی و استفاده از آن ها در حمل و نقل شهری و از دور خارج نکردن خودروهای دودزا از ناوگان شهری که عمدتا مربوط به ارگان ها و ادارات دولتی هستند. همچنین گازسوز نکردن نیروگاه ها

و کارخانجات پتروشیمی و کوره پزخانه ها و استفاده از مازوت (نفت کوره) و ده ها علت دیگر که نقش تخریبی دولت در آن غیرقابل انکار است، از عوامل اصلی آلوده سازی هوا و محیط زیست در شهرهای بزرگ به شمار می روند.

از روز یکشنبه ۱۲ آذر که وضع هوا بطرز فاجعه باری روبه وخامت گذاشت، زمزمه ی تعطیلی ادارات و مدارس شنیده شد. مثل همیشه، مسئولین وزارتخانه ها و سازمان های ذیربط تشکیل جلسه دادند و تلوویزیون رژیم هم برای عوامفریبی و فرافکنی های همیشه اش این صغری کبری کردن ها را پوشش رسانه ای داد.

نمایندگان شهرداری، وزارت کشور، سازمان حفاظت! از محیط زیست، سازمان کنترل کیفیت هوا، ستاد حمل و نقل و سوخت، نیروی انتظامی و صدا و سیما جلسه گذاشتند و مثلا موضوع آلودگی هوا را ریشه یابی و برای راه حل آن چاره اندیشی! کردند. نیروی

انتظامی تقصیر را گردن شهرداری انداخت که چرا اتوبوس های دودزا را از رده خارج نکرده است. شهرداری وزارت کشور را مقصر دانست و وزارت کشور هم وزارت صنایع و معادن و تجارت را متهم کرد که بودجه ی لازم را اختصاص نداده است. وزارت صنایع هم ستاد سوخت را متهم کرد که از ابتدای سال ۹۱ تاکنون (۹ ماهه) فقط ۳۰ هزار خودروی مستعمل را اسقاط کرده است و نسبت به پارسال ۷۰ هزار خودرو عقب مانده است.

و خلاصه نماینده ی سازمان کنترل کیفیت هوا، همه را متهم کرده که واقعیت ها را به مردم نمی گویند و اعلام کرده که آلودگی هوای تهران و چند شهر دیگر در وضعیت بحرانی

و کشنده ای قرارداد و استفاده از ماسک های کاغذی و پارچه ای که داروخانه ها عرضه می کنند، دردی را دوا نمی کنند و چاره ی کار نیستند. مجری برنامه پرسید: پس چاره چیست؟ نماینده ی وزارت کشور گفت: "مگر این که مردم دعا کنند تا بادی بوزد یا بارانی ببارد که این آلودگی را از تهران دور کند !!!"

و این در حالی است که سران جنایتکار رژیم با بهترین و بیشترین امکانات بهداشتی، در کاخ های مجلل خود در خوش آب و هوا ترین مناطق به زندگی ننگین خود ادامه می دهند. و مردم علاوه بر فقر و بیکاری و گرانی باید با استنشاق هوای آلوده و سمی به انواع سرطان و بیماری های تنفسی دچار شوند.

اما ثروت های حاصله از نیروی کارشان به جیب های گشاد سران رژیم و صرف سازماندهی نیروهای سرکوبگر می شود و یا به حساب دستجات تروریستی حماس و حزب اله و طالبان و القاعده و به طور کلی اسلام سیاسی سرازیر می گردد.

علاو بر آن اخیرا اعلام شد برای ساخت "ضریح" امام حسین که بیش از ۲۰۰ کیلوگرم طلا در آن به کار رفته دهها میلیارد تومان خرج کرده است و مبلغ ۴۰۰ میلیارد تومان رابه ساخت ۷۲ مسجد در تهران اختصاص داده است. میلیاردها تومان دیگر صرف توسعه جهل و خرافات می کنند

اما مردمی که نمی توانند نفس بکشند و جان شان در خطر است چه نیازی به مسجد دارند؟ باید نفس این رژیم را گرفت. مردم، زمانی خواهند توانست نفس راحتی بکشند که فرصت نفس کشیدن را از رژیم ضد بشر بگیرند. آن روز دیر نیست.*

زنده باد سوسیالیسم!

یک قدم به جلو در فلسطین!

بهبود مهربادی

هفته گذشته قطعنامه قبول کشور فلسطین به عنوان ناظر غیر عضو سازمان ملل متحد در مجمع عمومی این سازمان با اکثریت ۱۳۸ رای در مقابل ۹ رای مخالف و ۴۱ رای ممتنع، به تصویب رسید. نمایندگان دولتهای آمریکا، اسرائیل، کانادا و چند کشور کوچک از جمله مخالفین این قطعنامه بودند. فشارهای اسرائیل و آمریکا موفق به ممانعت از تصویب این قطعنامه نشد. افکار عمومی مردم جهان از خواست بحق مردم فلسطین برای داشتن یک کشور مستقل حمایت می کند و به همین دلیل متحدین بسیار نزدیک آمریکا و اسرائیل نظیر آلمان و انگلیس از مخالفت با این قطعنامه خودداری کرده و به این قطعنامه رای ممتنع دادند.

با تصویب این قطعنامه فلسطین بعنوان یک کشور و یک دولت شناخته می شود و می تواند در نهادهای مختلف بین المللی عضویت داشته باشد. همچنین دولت فلسطین می تواند بخاطر تعرضات مداوم از دولت اسرائیل به دیوان کیفری بین المللی شکایت کند. این یک موفقیت و یک گام به جلو برای مردم فلسطین برای تبدیل شدن به یک کشور کاملاً مستقل و با حقوق برابر در عرصه بین المللی است. اما مردم فلسطین هنوز تا رسیدن به حداقل حقوق انسانی خود فاصله زیادی دارند.

دولت های آمریکا و اسرائیل تهدید کرده اند که فلسطین را از نظر مالی تحت فشار خواهند گذاشت. دولت اسرائیل بی اعتنا به اعتراضات بین المللی پروژه خانه سازی و اسکان یهودیان در مناطق اشغالی را افزایش داده است. خطر بمباران و حملات ارتش اسرائیل همچنان بر سر مردم فلسطین باقی است. حملات سه هفته اخیر اسرائیل به غزه بیش از

صد نفر از مردم این شهر را کشت، صدها نفر را زخمی و هزاران نفر را بیخانمان کرد. حکومت اسرائیل سیاست کثیف نژادپرستانه خود را در فلسطین به پیش می برد. یهودیان نژاد برتر بشمار آمده و دارای حقوق و امتیازات ویژه نسبت به مردم فلسطین و عرب هستند. دولت های غربی با وقاحت تمام در مقابل جنایات دولت اسرائیل علیه بشریت ساکت مانده و کمک های مالی و نظامی خود را به این دولت افزایش می دهند.

فلسطینی ها از سویی مورد تهاجم تبلیغات هیستریک ضد فلسطینی و ضد عربی و حملات مداوم نظامی حکومت اسرائیل و از سوی دیگر تحت فشار نیروهای عقب مانده اسلامی نظیر حماس هستند که علاوه بر تلاش برای حاکم کردن قوانین ارتجاعی اسلامی بر مردم فلسطین، عملاً وظیفه دامن زدن به جنگ و ایجاد زمینه و بهانه مساعد برای حملات اسرائیل را بعهدہ دارند. به قول منصور حکمت در نوشته مقاله مشهور دنیا بعد از یازده سپتامبر: "حل مساله فلسطین مهمترین رکن مقابله با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است." یعنی به هر درجه مساله حل شود اسلام سیاسی تضعیف میشود چون از این شکاف نمیتواند نیرو بگیرد و برای خود سرمایه بسازد. صلح در خاور میانه، تشکیل کشور فلسطین، تخفیف مشقات ملی و قومی و رفع تبعیضاتی که بر مردم فلسطین روا داشته میشود، ناقوس مرگ جنبش اسلامی در خاور میانه را به صدا درمیآورد.

مردم فلسطین هنوز راه درازی در پیش رو دارند. استقلال کامل فلسطین بعنوان یک کشور هنوز کامل نشده و تحقق نیافته است و مردم فلسطین برای تشکیل دولت مستقل و متساوی الحقوق باید مشکلات و موانع مختلفی را پشت سر بگذارند. حکومت نژاد پرست و

مذهبی اسرائیل مانع اصلی حل مسئله فلسطین و به رسمیت شناختن حقوق آنها بعنوان یک کشور مستقل است. اما در سالهای اخیر نیروهای سکولار و آزادیخواه در اسرائیل قویتر شده و صدای اعتراض خود را بلند کرده اند. آنها خواستار صلح و همزیستی و داشتن روابط انسانی با فلسطینی ها هستند. این نیرو باید بتواند در اسرائیل نیروهای راست و مذهبی را عقب براند و حق مردم فلسطین برای داشتن یک کشور مستقل و برای برخورداری از حقوق برابر شهروندی در داخل اسرائیل به رسمیت بشناسد. گسترش اعتراضات جهانی بر علیه دولت اسرائیل و فشار به دولتهای غربی برای قطع حمایت از اسرائیل می تواند به نیروهای سکولار، آزادیخواه و صلح طلب اسرائیل کمک کند.

تصویب قطعنامه ۲۹ نوامبر امسال در سازمان ملل یک گام به جلو برای مردم فلسطین است و باید این موفقیت را به آنها و به همه مردم آزادیخواهی که از مبارزات مردم فلسطین حمایت کرده اند، تبریک گفت. این پیشروی یک مانع بزرگ برای رسیدن به جامعه ای سکولار، برابر و آزاد را از سر راه آنها بر میدارد. اما بوجود آمدن یک دولت مستقل فلسطینی با وجود حکومت فعلی اسرائیل و نیروهای مذهبی. قومی که بر بخشی از فلسطین حکومت می کنند، بسیار دشوار است. قدرتهایی که بنیان و علت وجودی آنها کینه افروزی و نفرت قومی و مذهبی است نمی توانند به هیچ راه حل و توافق انسانی و شرافتمندانه ای متعهد و پایبند باشند. فقط پیروزی سکولاریسم و سوسیالیسم است که می تواند حق مردم فلسطین برای داشتن یک کشور مستقل و وجود صلح و امنیت برای مردم فلسطین و اسرائیل را تضمین کند.

شادباش

تغییرات، انسانی ترین، عملی ترین و درعین حال کم هزینه ترین شیوه تغییر اجتماعی است. در یک کلام، حزب، راه و روند برنامه های خود را از جامعه گرفته و با سنتزی نوین آن را دوباره به جامعه برمی گرداند. از اینرو است که می توان عنوان حزب پراتیک اجتماعی را برای این حزب به کاربرد.

ما جمعی از اعضاء، حزب را چراغ راهمان می دانیم تا بتوانیم با چشمانی باز پراتیک انقلابی مناسب با شرایط روز را تشخیص داده و امرمان را به پیش ببریم. امری که زنان و کارگران و جوانان هر روز آن را با صدایی رساتر فریاد می زنند و خواهان تغییر در مناسبات و اروانه این دنیا و برپایی دنیایی بدون تبعیض و نابرابری و سرشار از امید و شادی هستند.

بنابر این جا دارد که به سهم خود بیست و یکمین سال تاسیس حزب را به همه انسان های شریف و آزادیخواه، به تک اعضاء و دوستان حزب و به ویژه به رهبری حزب شادباش بگوئیم.*
۱۰ آذر ۱۳۹۱

سالگرد تشکیل حزب در میان جمعی از دوستان حزب در ایران، همراه با شام و موزیک زنده برگزار شد.



تجمعات اعتراضی کارگران بی وقفه ادامه دارد

کارگران قند اهواز همراه با خانواده های خود دست به چندین روز تجمع زدند

اعتراض کارگران قند اهواز به عدم دریافت ۲۲ ماه حقوق و مزایا و سایر مطالبات، محرومیت از خدمات رایگان درمانی در طول این دو سال و بلا تکلیفی شغل آنها است. کارگران بارها دست به تجمع زده اند ولی خواست های آنها تاکنون بی پاسخ مانده است. نکته قابل توجه در این مبارزه حضور همسران کارگران در این تجمعات اعتراضی است که از روز یکشنبه در مقابل استانداری خوزستان شروع شده است.

کارگران نساجی مازندران در ادامه اعتراض به تهران آمدند

۲۰۰ نفر از کارگران نساجی مازندران به نمایندگی از طرف ۸۰۰ کارگر این کارخانه به تهران آمدند و روز یکشنبه ۱۲ آذر در مقابل مجلس اسلامی رژیم و روز دوشنبه در مقابل دفتر احمدی نژاد

دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران ۲۸ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند و به بلا تکلیفی کارخانه نیز اعتراض دارند. کارگران همچنین خواهان پرداخت حق سنوات بازنشستگی شدند. طبق گزارشی که به حزب رسیده است، کارگران خواست های خود را بر پلاکاردهائی که در دست داشتند نوشته بودند. در پلاکارد دیگری که در دست کارگران بود به گرانی و تورم اعتراض میکردند. نیروهای سرکوب رژیم کارگران را با ضرب و شتم متفرق کردند. این ششمین تجمع کارگران در ماههای گذشته است. در اواخر ماه گذشته کارگران این کارخانه با نماینده سرمایه گذار و خریدار جدید کارخانه و برخی از مقامات دولتی در خصوص بازگشایی کارخانه نشستی داشتند که قول پرداخت حقوقهای معوقه به آنان داده شده بود. در این جلسه کارفرما متعهد شده بود تا دهم آذرماه ۲ میلیارد تومان بابت بخشی از مطالبات

معوقه کارگران پرداخت کند و همزمان کارخانه را بازگشایی کند. همچنین دولت متعهد شده بود تا در صورت عملی شدن تعهدات کارفرما، مبلغ ۲ تا ۳ میلیارد تومان تسهیلات بابت پرداخت طلب باقیمانده کارگران فراهم کند این وعده ها عملی نشد و کارگران اعتراضات خود را از سر گرفتند.

اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران در سیرجان

کارگران شرکت نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن سیرجان (تراورس)، در اعتراض به وضعیت حقوق، مزایا و عدم پرداخت بیمه دست به اعتصاب زدند و در ادامه روز سه شنبه مقابل راه آهن این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع کارکنان موزه ها در تهران

بیش از ۳۰ نفر از کارکنان موزه های تهران دست به تجمع اعتراضی در مقابل ارگ آزادی

تهران زده و خواهان پرداخت فوری حقوق معوقه خود شدند. کارکنان موزه های تهران چندین ماه حقوق طلب دارند.

تجمع اعتراضی کارگران راه آهن خراسان

کارگران یکی از شرکتهای خصوصی شده راه آهن خراسان در اعتراض قطع حقوق و مزایان و ناروشن بودن وضعیت استخدامی خود برای چندمین بار دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران کارخانه های پروفیل ساوه و نورد لوله صفا با تعهدات کارفرما به اعتصاب پایان دادند

۲۴۰۰ کارگر کارخانه های پروفیل ساوه و نورد لوله صفا از روز دوشنبه ۱۳ آذر و بدنبال حضور کارفرمای این کارخانه ها در فرمانداری شهرستان ساوه و تعهد وی مبنی بر پرداخت بموقع دستمزد کارگران، بر سر کارهای خود بازگشتند. طبق گزارش

اتحادیه آزاد کارگران ایران کارفرما متعهد شده است پنج ماه دستمزد معوقه کارگران را نیز تا آخر سال جاری تصفیه کند و دست به اخراج کارگران اعتصابی نیز نزند. بدنبال این تعهدات از سوی کارفرمای این دو کارخانه، کارگران نورد لوله صفا به سر کار بازگشتند اما تعدادی از کارگران پروفیل ساوه تا ظهر روز دوشنبه در مقابل فرمانداری به تجمع خود ادامه دادند که بدنبال حضور یکی از مسئولین امنیتی در میان کارگران و قول وی مبنی بر پیگیری اجرای تعهدات کارفرما، آنان نیز بر سر کارهایشان بازگشتند. کارگران به عملی شدن این قول و قرارها خوشبین نیستند و اعلام کرده اند چنانچه این تعهدات عملی نشود بار دیگر دست به اعتصاب خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ آذر ۱۳۹۱
۵ دسامبر ۲۰۱۲

اعتصاب ۲۴۰۰ کارگر نورد لوله صفا و پروفیل ساوه

اعتصاب در هشتمین روز خود ادامه دارد

بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتصاب ۲۴۰۰ کارگر دو کارخانه نورد لوله صفا و پروفیل ساوه بعد از یک هفته همچنان ادامه دارد. این اعتصاب از روز ۵ آذر در اعتراض به نپرداختن ۶ ماه دستمزد های کارگران شروع شد. اعتصاب ابتدا توسط کارگران نورد لوله صفا شروع شد و بعد ۱۲۰۰ کارگر پروفیل ساوه نیز در اقدامی مشابه دست به اعتصاب زدند. این دو کارخانه متعلق به یک کارفرماست. با شروع اعتصاب یک ماه از دستمزد های کارگران پرداخت شد و بعد مسئولین

فرمانداری و نیروی انتظامی و اداره کار به میان کارگران آمده و از کارگران خواستند که با پرداخت یک ماه دستمزد، به اعتصاب پایان دهند. کارگران با اعتراض به آنها جواب دادند که ما شش ماه دستمزدمان را طلب داریم و نه یک ماه. و علیه آنها شعار دادند و آنها را اجیر شده کارفرما خواندند. کارگران نورد لوله صفا در مقابل کارخانه تجمع کرده و مانع انتقال محصولات شده اند. بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز گذشته یعنی ۱۱ آذر کارگران اعتصابی هر دو کارخانه ابتدا

مقابل شهرداری ساوه تجمع کردند و بر خواسته های خود پافشاری کردند. اما چون کسی از مسئولین کارخانه یا شهرداری به آنها پاسخی نداد، کارگران به طرف فرمانداری ساوه حرکت کردند و در مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. به دنبال این حرکت، مسئولین فرمانداری در میان کارگران حاضر شدند و به کارگران قول دادند که روز دوشنبه یعنی فردا ۱۲ آذر رستمی صفا کارفرمای دو کارخانه را احضار خواهند کرد تا به کارگران پاسخ دهد. کارگران با این وعده به تجمع اعتصاب و تجمع و تشکل

کارگران، راه زورگویی و بالا کشیدن نان شب کارگران توسط کارفرمایان را باز گذشته اند و خود نیز در شرکتهای دولتی بارها از همین روش بالا کشیدن دستمزدهای زیر خط فقر کارگران استفاده میکنند. باید با اعتصاب و تجمع و اعتراض متحدانه مقابل این زورگویی ایستاد و مفتخوران سرمایه دار و دولت اسلامی شان را قاطعانه عقب راند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ آذر ۱۳۹۱
۲ دسامبر ۲۰۱۲

بر اثر حریق در دبستان دخترانه شین آباد پیرانشهر ۳۶ دانش آموز دچار سوختگی شدند

بنا به گزارش خبرنگار حزب از پیرانشهر روز چهارشنبه ۱۵ آذرماه دبستان دخترانه انقلاب اسلامی در روستای "شین آباد" پیرانشهر دچار حریق شد که در اثر آن ۳۶ دانش آموز دچار سوختگی شدند. گروه های امداد بعد از يك ساعت به محل حریق می رسند که تا رسیدن آنان مردم خود سریعاً دست بکار شده و دانش آموزان را از میان آتش و دود از کلاس خارج می کنند. حال ۱۲ نفر از دانش آموزان وخیم گزارش شده و ۶ نفر از دانش آموزان با سوختگی بالای ۶۰ درصد به بیمارستان تبریز منتقل شده اند. لازم به ذکر است که این دبستان قبلاً در لیست مدارس

تخریبی شین آباد قرار داشته است تا جاییکه درب کلاسها فاقد دستگیره بوده و بخاطر جلوگیری از ورود حیوانات به داخل کلاس، پنجره های آن را با تخته های آهنی بسته بودند. این امر سبب می شود که دانش آموزان تا لحظاتی در میان شعله های آتش محاصره شوند و نتوانند فوراً خود را نجات بدهند. این اولین بار نیست که دانش آموزان مدارس با چنین صحنه های هولناکی مواجه می شوند. روزی نیست که در گوشه و کنار این کشور سانه های قابل پیشگیری جان دانش آموزان را نگیرد. در این میان دانش آموزان مناطق روستائی و

شهرکهایی همچون شین آباد از داشتن ابتدایی ترین امکانات محرومند. نهادهای رژیم هیچگاه خود را در قبال چنین رویدادهای تکانه دهنده ای پاسخگو ندانسته اند و در حالیکه سران و مهره های حکومت سرگرم دزدی و چپاول از هستی مردم اند، دانش آموزان را در مدارس کهنه و فاقد کوچکترین وسائلی ایمنی جای می دهند. مکانهایی که هر آن احتمال ریزش سقف و دیوارهای آن بر سر دانش آموزان وجود دارد و فاقد سیستمهای امن گرم کننده و خنک کننده هستند. مسئول مستقیم این فجایع رژیمی است که جز جنایت، سرکوب،

تحمیل فقر و بدبختی به مردم وظیفه ای برای خود قائل نیست. به این وضعیت باید اعتراض کرد. نباید اجازه دهیم اینگونه عزیزانمان قربانی ناامنی و بی مسئولیتی شوند. نباید اجازه بدهیم باز هم در مدرسه ای دیگر همین فاجعه اتفاق بیفتد. مردم پیرانشهر و مردم همه شهرهای دیگر باید علیه این وضعیت دست به اعتراض بزنند و دولت را وادار کنند که بهترین امکانات برای معالجه دانش آموزان مصدوم بکار گرفته شود، بلافاصله و زیر نظر خود مردم و معلمان و دانش آموزان موارد ناامن و خطرناک اعم از ساختمان مدارس و بخاری ها و غیره مورد بررسی قرار

گیرد و به خانواده های دانش آموزانی که قربانی این وضعیت شده اند خسارت پرداخته شود. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از مردم پیرانشهر و سایر شهرها، خانواده های دانش آموزان مصدوم شده، معلمان و دانش آموزان می خواهد که ساکت نشینند و با تمام قوا علیه جمهوری اسلامی، علیه بی مسئولیتی این رژیم و علیه ناامنی مدارس دست به اعتراض بزنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
۱۵ آذر ۹۱
۵ دسامبر ۲۰۱۲

دانش آموزان ابتدایی در آتش سوختند! باز فاجعه دیگر و قربانیان دیگر!

روز چهارشنبه، ۱۵ آذر، در اولین ساعات آغاز درس، با انفجار مهیب بخاری نفتی مستعمل کلاس چهارم ابتدایی دخترانه دبستان انقلاب اسلامی در روستای شین آباد از حوالی پیرانشهر، آتش به جان دانش آموزان و آموزگار کلاس انداخت!

به سبب فرسوده بودن و بافت تخریبی ساختمان دبستان، بسته بودن درب ورودی کلاس بعنوان راه خروجی، و میله کشتی مقابل پنجره همه دانش آموزان بدون اینکه راه گریزی داشته باشند، به یکباره طعمه حریق شدند.

رهگذران و مردم سراسیمه خود را به محل آتش سوزی رساندند، با وسایل اولیه و با کمترین امکانات، دانش آموزان را از میان شعله های سوزان آتش بیرون کشیدند! نیروی امدادی حدود یکساعت بعد به محل رسیده بود که دیگر کار از کار گذشته بود.

بنا به آمارهای منتشر شده

۳۴ نفر از دانش آموزان دچار سوختگیهای شدید شده اند. آموزش و پرورش پیرانشهر هنوز آمار دقیق و علت اصلی این فاجعه را مخفی میکند و با تناقض گویی همیشگی سعی در پنهان کردن حقیقت دارد.

اما خبرهای منتشر شده از سوی خانواده های مصیبت دیده حاکی است که حال ۱۲ تن از دانش آموزان با سوختگی بیش از پنجاه درصد، بشدت وخیم است. خبرهای تایید نشده حاکی از کشته شدن هفت تن از دانش آموزان دختر کلاس چهارم ابتدایی است.

مدیر دبستان اظهار کرده است، این بخاری قدیمی کاربرتی توسط خدمتکار و آموزگار مدرسه به بیرون از کلاس حمل میشده که نفت از آن نشت میکند و بلافاصله منفجر میشود. خدمتکار مدرسه نیز جزو آسیب دیدگان و مجروحین است. عکسهای منتشر شده از محل فاجعه بخوبی نشان میدهد که

این کلاس درس مانند صدها هزار کلاس دیگر، فاقد ابتدایی ترین امکانات ایمنی برای پیشگیری از حوادث است. این چندمین حادثه جانخراش و مصیبت بار است که به سبب غیراستاندارد و مستعمل بودن وسیله گرمایش، کلاسهای درس را به جهنم سوزان برای دانش آموزان بدل کرده است. دهها مدرسه و کلاس درس طعمه حریق شدند، دانش آموزان سوختند و آموزش و پرورش جمهوری اسلامی با لالابالی گری و بی مسئولیتی همیشگی اش بی اعتنا به جان دانش آموزان، از کنار همه آن فجایع گذشت و کمترین اقدامات اولیه را هم برای کاهش و تخفیف آن انجام نداد.

کشتار دانش آموزان در مدارس، در اروده های مذهبی و جنگی، بخشی از کارنامه سیاه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی است.

بلافاصله خانواده های نگران و مصیبت دیده در اعتراض به این فاجعه در مقابل بیمارستان اصلی شهر پیرانشهر تجمع کردند.

مسئول مستقیم این فاجعه، آموزش و پرورش حکومت اسلامی است. مردم رنج دیده روستای شین آباد پیرانشهر بدست انگشت اتهام را بسوی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی نشانه گرفته اند. دهها هزار مدرسه تخریبی و فرسوده مستعمل با محروم بودن از اولین امکانات مدرن، به قتلگاه دانش آموزان بدل شده اند.

نهاد کودکان مقدمند این فاجعه جانگداز را به همه خانواده های مصیبت دیده تسلیت میگوید و خود را کنار مبارزات بحق مردم برای بهره مند شدن از آخرین امکانات و تجهیزات فنی و رفاهی دانش آموزان میدانند.

در اطلاعاتی های بعدی پیگیری این فاجعه به اطلاع عموم

میرسانیم.
اسامی مجروحین حادثه که تا این ساعت به دست ما رسیده است:
فخر الدین خضری - آموزگار،
خضیر راه خارکش - سرایدار، و
دانش آموزان مجروح:
مبینه پرکم، نادیه صالح،
مهناز محمدپور، کوثر احمدزاده،
آمینه راک، آسیه ابوبکری، شادی
ابراهیمیان، اسرین معروفی، سیما
شادکام، اسما دروی، ستاره عالییه،
آمنه اسماعیل پور، آرزو، طاهر
آریایی، کانی شریفی، سیما مرادی،
ساریا رسول زاده، لیلا کریمی،
سوزان ملامینی، یادگار مصطفی
نژاد، نگار پری موزه، سمیرا
اسماعیلی، سمیرا معروفی، ناهیده
شریفی، مروارید حمزه، فائزه ملو،
فریده امیدوار، آسیا رسولی
نهاد کودکان مقدمند
۱۵ آذر ۱۳۹۰

سمینار و میز کتاب حزب کمونیست کارگری در فوروم سوسیالیستی، استکهلم



فوروم سوسیالیستی یک گردهم آئی از سازمان ها و نهادهای چپ و اتحادیه های کارگری است که همه ساله با حمایت موسسه ABF سوئد در شهر استکهلم برگزار می شود. در این فوروم ده ها سمینار مختلف حول موضوعات گوناگون در یک روز برگزار می شود و سازمانها و موسسات انتشاراتی چپ و آلترناتیو کتاب ها و انتشارات خود را ارائه و بفروش می رسانند.

در فوروم سوسیالیستی امسال، که روز شنبه ۱ دسامبر برگزار شد، یک سمینار و میزکتاب از سوی کمیته استکهلم حزب کمونیست کارگری برگزار شد. موضوع بحث سمینار "ایران و انقلابات در خاورمیانه" بود که از سوی بهرام

سروش بزبان انگلیسی ارائه شد. جلسه با خوش آمدگویی و یک معرفی کوتاه توسط افسانه وحدت که میزبانی و مدیریت برنامه را بعهده داشت آغاز شد. نکته اصلی مورد اشاره در بحث بهرام سروش بررسی دورنمای خیزش انقلابی مردم در ایران با توجه به تجربه انقلاب ۱۳۸۸ در متن انقلابات خاورمیانه و اوضاع جدید جهانی بود. وی به این اشاره کرد که تمام آن دلایلی که زمینه ساز انقلاب ۱۳۸۸ بود - بحران رژیم، فلاکت اقتصادی و تنفر مردم از جمهوری اسلامی - نه تنها بجای خود باقی هستند بلکه به مراتب تشدید شده اند، و انقلاب همچنان سیر محتمل تحولات آتی جامعه ایران است. و اینکه این انقلاب، انقلابات

خاورمیانه و اعتراضات جهانی مانند جنبش اشغال، باید در متن بحران عمیق اقتصادی، ایدئولوژیک و تاریخی بورژوازی، سپری شدن یک دوره سیاه که دولت های بورژوازی ابتکار عمل را در دست داشتند و آغاز دوره ای جدید از انقلابات که مردم بازیگران اصلی اند، درک شده و توضیح داده شود.

در کنار این سمینار و در طول این برنامه یکروزه، میزکتابی در سالن اصلی فوروم دایر بود که مورد توجه و استقبال مراجعه کنندگان قرار گرفت.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته استکهلم
۱ دسامبر ۲۰۱۲



حزب کمونیست کارگری یک
حزب مارکسیستی و متعهد به
سازماندهی انقلاب اجتماعی
طبقه کارگر برای برچیدن
نظام سرمایه داری و برپایی
جامعه ای نوین مبتنی بر
برابری اقتصادی و اجتماعی،
آزادی سیاسی انسانها و
شکوفایی خلاقیت های مادی و
معنوی بشری است.
از اطلاعیه تشکیل حزب در
پاییز ۱۳۷۰



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون
امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم
به چه منجلا بی بدل میشود!

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!